

64

IRAN-UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL

دیوان داوری دعاوی ایران - ایالات متحدہ

DUPLICATE ORIGINAL

نسخہ برابر اصل

۱/۹/۸۳ (۱۳۶۲/۶/۱۰)

پرونده شماره ۶۷

شعبه

حکم شماره ۳ - ۶۷ - ۷۳

وودوارد - کلاید کانسالتنس ،

خواهان ،

- و -

دولت جمهوری اسلامی ایران و

سازمان انرژی اتمی ایران ،

خوانندگان .

IRAN UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL	دادگاه داری دعاوی ایران-ایالات متحدہ
ثبت شد - FILED	
Date	۱۳۶۲ / ۶ / ۱۱
	2 SEP 1983
67	۹۷



حکم

حاضران :

از طرف خواهان : آقای رابرت بی. والاس ، وکیل

" هانس اولدسن ، از وودوارد - کلاید کانسالتنس ،

" جیمز پتریلا ، مشاور وودوارد - کلاید کانسالتنس ،

از طرف خوانندگان : آقای محمدکریم اشراق ،

قائم مقام نماینده رابط جمهوری اسلامی ایران ،

آقای طبسی ، مشاور نماینده رابط ،

" علی امین پور ،

" اکبر عطارکاشانی ، دستیاران نماینده رابط ،

آقای ادیب نظری، وکیل سازمان انرژی اتمی ایران،
دکتر اصلان مهاجر اشجعی، مشاور فنی سازمان انرژی اتمی ایران،
آقای محسن قطب، مشاور مالی سازمان انرژی اتمی ایران،

سایر حضاران : آقای آرتور رواین، نماینده رابط ایالات متحده آمریکا

قسمت اول - جریان دعوی

خواهان، وودوارد کلاید کانسالتنتس ("وودوارد - کلاید") در تاریخ ۱۷ نوامبر ۱۹۸۱ (۲۶ آبان ماه ۱۳۶۰) ادعای خود را علیه "دولت جمهوری اسلامی ایران و موسسه و واحده متبوع آن، سازمان انرژی اتمی ایران"، به ثبت رساند. این ادعا بابت پرداخت بهای خدماتی که حسب ادعا به موجب موافقتنامه خدمات مشورتی انجام گرفته، با اضافه بهره متعلقه، هزینه‌های متحمل جهت اقدامات مربوط به وصول این مطالب در ایران، و هزینه‌های داوری، اقامه گردیده است.

در تاریخ اول مارس ۱۹۸۲ (۱۰ اسفند ماه ۱۳۶۰) سازمان انرژی اتمی ایران لایحه دفاعیه و ادعاهای متقابل خود را جهت اضافه پرداختهای ادعائی و بهره این مبلغ، برخی خسارات ناشیه، مالیاتهای پرداخت نشده و هزینه‌های تسلیم نمود. در تاریخ ۲۳ آوریل ۱۹۸۲ (۳ اردیبهشت ماه ۱۳۶۱) خواهان، جوابیه‌ای در پاسخ به لایحه دفاعیه و ادعاهای متقابل ثبت نمود.

جلسه استماع دعوی در تاریخ ۱۱ اکتبر ۱۹۸۲ (۱۹ مهر ماه ۱۳۶۱) برگزار گردید. ضمن استماع، خواننده لایحه‌ای حاوی ادعاهای متقابل جدید تسلیم نمود. در تاریخ ۲۱ اکتبر ۱۹۸۲ (۲۹ مهر ماه ۱۳۶۱) دیوان داوری روز ۱۳ دسامبر ۱۹۸۲ (۲۲ آذر ماه ۱۳۶۱) رابه عنوان تاریخ نهائی تسلیم اسناد و مدارک و ۱۴ فوریه ۱۹۸۳ (۲۵ بهمن ماه ۱۳۶۱) رابه عنوان تاریخ نهائی تقدیم اسناد و مدارک

واظهاریه‌های کتبی معارض، تعیین نمود.

خواهان مدارک خود را در تاریخ ۱۳ دسامبر ۱۹۸۲ (۲۲ آذرماه ۱۳۶۱) و الحاقیه‌ای
براین مدارک را در تاریخ ۲۷ دسامبر ۱۹۸۲ (۶ دیماه ۱۳۶۱) به ثبت رسانند. در
تاریخ ۲۹ دسامبر ۱۹۸۲ (۸ دیماه ۱۳۶۱) خواننده مدارک خود را همراه بالاحیه‌ای
ثبت کرد. در تاریخ ۱۵ فوریه ۱۹۸۳ (۲۶ بهمن ماه ۱۳۶۱) خواهان لایحه‌ای را به
ثبت رساند. سپس دیوان داوری موضوع را مورد رسیدگی قرار داد.

قسمت دوم - واقعیات و اظهارات

ادعای مبتنی است بریک موافقتنامه خدمات مشورتی (که منبهد "موافقتنامه"
نامیده می‌شود) که در تاریخ ۲ سپتامبر ۱۹۷۵ (۱۱ شهریورماه ۱۳۵۴) فیما بین
سازمان انرژی اتمی ایران به عنوان یک طرف، و شرکت مهندسین مشاور
وودوارد - نورانی ("وودوارد - نورانی") و وودوارد - کلاید کانسالتنس،
اینترنشنال دیویژن (وودوارد کلاید اینترنشنال)، به عنوان طرف دیگر، منعقد
شده است. به موجب این موافقتنامه و وودوارد - نورانی و وودوارد کلاید اینترنشنال
(که منبهد در موافقتنامه، تواما "مشاور" خوانده می‌شوند) موافقت
نمودند که در رابطه با انتخاب محل نیروگاه‌های اتمی، تحقیق و آزمایش محل
و تأیید محل نیروگاه‌ها، خدمات فنی و مشورتی گوناگونی را ارائه نمایند.
قرار بود که کارطی فازهای از قبل تعیین شده انجام گیرد. سازمان انرژی اتمی
حق خاتمه بخشیدن به قسمتی از کار تحقیق و بررسی در پایان هر فاز را برای خود محفوظ
نگه داشت.

در تاریخ ۱۷ اوت ۱۹۷۶ (۲۶ مردادماه ۱۳۵۵) اصلاحاتی در موافقتنامه
بعمل آمد. این اصلاحات تا تاریخ اول مه ۱۹۷۶ (۱۱ اردیبهشت ماه ۱۳۵۵)
("اصلاحیه ۱۹۷۶") عطف به ماسبق شد. مجدداً در تاریخ اول مه ۱۹۷۸ (۱۱ اردیبهشت
۱۳۵۷) اصلاحاتی در موافقتنامه بعمل آمد و تا تاریخ اول مه ۱۹۷۷ (۱۱ اردیبهشت
۱۳۵۶) عطف به ماسبق شد ("اصلاحیه ۱۹۷۸"). در اصلاحیه اخیر، وودوارد - کلاید
کانسالتنس دیویژن ایران ("وودوارد کلاید ایران") کلیه تعهدات وودوارد کانسورانی
و وودوارد کلاید اینترنشنال به موجب موافقتنامه را تقبل کرد و قرار شد که سازمان

انرژی اتمی ایران کلیه صورتحسابهای تسلیمی توسط مشاور "بابت خدمات انجام شده تا این تاریخ و خدماتی که بعداً انجام خواهد شد" را، پرداخت نماید.

بخش ۵ موافقتنامه، به ترتیبی که بعضاً در اصلاحیه ۱۹۷۶ اصلاح شده، از جمله به شرح زیر مقرر می دارد: مشاور باید هر ماه صورتحساب خدمات ارائه شده مربوط به ماه قبل و همچنین هزینه های دیگر را ارائه نماید. سازمان انرژی اتمی ایران موافقت کرد که ۹۰ درصد صورتحساب ماهانه تصویب شده را حداکثر تا روز ۳۰م هرماه ایرانی پرداخت نماید. صورتحسابهای تسلیمی توسط مشاور می بایست مستند به "مدارک مورد نظر سازمان انرژی اتمی ایران" باشد. هیچ گونه صورتحسابی قبل از تصویب و تأیید سازمان انرژی اتمی ایران توسط این سازمان قابل پرداخت نبود، قرار بود سازمان انرژی اتمی ایران ۱۰ درصد از مبلغ هر صورتحساب را تا تأیید انجام تمامی کارها بپردازد. بعلاوه سازمان انرژی اتمی مکلف بود گزارش تسلیمی برای هر فاز را بررسی و ظرف ۱۲۰ روز پس از دریافت آنرا تأیید یا رد کند. با تأیید کتبی اتمام کار برای هر مرحله خاص توسط انرژی اتمی ایران ظرف ۶ ماه پس از چنین تأییدی، مشاور حق داشت که مبلغ ۱۰ درصد مکسوره از صورتحسابهای قبلی را دریافت کند. قرار بود بخشی از صورتحسابهای ماهانه تسلیمی توسط مشاور، به شرحی که در موافقتنامه مقرر گردیده، به دلار آمریکا و بخشی از آن به ریال پرداخت شود.

بعلاوه، موافقتنامه، در بخش ۷، مقرر می داشت که "کلیه مالیاتها، هزینه ها، مالیات بردرآمد و حق بیمه های اجتماعی متعلقه به موجب این موافقتنامه در نتیجه عملیات مشاور "برعهده مشاور خواهد بود. سازمان انرژی اتمی ایران می بایست "برطبق قانون مالیاتهای مستقیم مصوبه اسفندماه ۱۳۴۵ و اصلاحیه بعدی آن" مالیاتی را از هر مبلغ پرداختی بابت خدمات انجام شده"، کسر و این کسورات را به مراجع مربوط مالیاتی پرداخت کند. بخش ۷، همچنین موارد تغییر در مالیاتها یا حقوق متعلقه دولت ایران را پیش بینی می نمود.

برطبق بخش ۱۰ موافقتنامه خدمات مشورتی، مشاور بابت حق بیمه اجتماعی

مسئول بوده و می بایست حق بیمه را به مراجع ایرانی مربوط پرداخت نماید. سازمان انرژی اتمی ایران می بایست از کلیه مبالغ پرداختی به موجب موافقتنامه خدمات مشورتی، مبالغ لازم بابت حق بیمه اجتماعی را کسرو به محض دریافت مفاسد حساب از مراجع ذیصلاح این مبالغ را به مشاوران پرداخت کند.

بخش ۱۴ حاوی تضمینی در رابطه با اجرای تعهدات مشاوران است. بخش ۱۶ موافقتنامه مقرر می داشت که مشاوران با استفاده از بهترین روشهای حرفه ای و بر طبق بهترین ضوابط فنی مورد قبول سازمان انرژی اتمی ایران تعهدات خود را اجرا و وظایف خود را با کمال دقت و مجاهدت ایفا نماید.

بخش ۲۴ متضمن مسئولیت مشاوران در برابر سازمان انرژی اتمی بود در قبال هرگونه زیان یا خسارتی که سازمان، بدلیل نحوه اجرای موافقتنامه توسط مشاوران، متحمل شود "و این خسارات به نحوی قابل انتساب به بی احتیاطی، نقص در کار، راهنمایی غلط، ناقص و نادرست و یا مرتبط با هر قصور دیگر مشاوران در ارائه خدمات بموجب تضمین وی طبق بخش ۱۴، باشد".

در بخش ۲۸ مشاوران موافقت نمود که "کار را طبق عرف حرفه ای متداول قابل قبول در سطح بین المللی انجام داده و گزارشهای شفاهی و کتبی و انواع اسناد و گزارشهای دیگری که معمولاً در اینگونه قراردادهای مهندسی مشاوران تهیه می شوند را فراهم آورد". بخش مزبور همچنین مقرر می داشت که به مجرد تکمیل خدمات مصرح در این موافقتنامه و قبول آن توسط سازمان انرژی اتمی، مشاوران در یافت کلیه حق الزحمه ها و هزینه ها را از سازمان انرژی اتمی خواهند داشت. بالاخره، بخش مزبور مقرر می داشت که در صورت وجود نقص در کار، مشاوران متعهد است که بدون هیچگونه هزینه اضافی برای سازمان انرژی اتمی کلیه کارهای اضافی لازم جهت ارائه کار قابل قبول را، انجام دهد".

ضمیمه دوم موافقتنامه نحوه تعیین حق الزحمه را تعیین می نمود . در قسمت مربوطه ضمیمه دوم مقرر شده است که مشاور، بابت کارکنان ، (غیر از برخی کارکنان حرفه ای اصلی مشخص و معینی) ۲/۹ برابر "هزینه ساعتی پرسنل" که به عنوان "پایه حقوق ساعتی" تعریف شده ، با اضافه کلیه مزایا ، بر اساس ساعتی ، دریافت دارد. ترتیب مزبور طی اصلاحیه ۱۹۷۶ تغییر داده شد و ضریب ۳/۵ جای ضریب قبلی "پایه حقوق ساعتی" را گرفت .

در بخش ۵ - ۵ ، مشاور موافقت نمود که "در صورت تقاضا ... سوابق لازم جهت حسابرسی حق الزحمه های مربوط به کار انجام شده طبق قرارداد را ، در دفتر خود در تهران در دسترس سازمان انرژی اتمی قرار دهد" .

خواهان مدعی است که وودوارد - کلاید شرکتی است که طبق قوانین ایالت نوادای ایالات متحده تشکیل یافته و موجودیت دارد و کلیه سهام سرمایه های آن متعلق به کارکنان این شرکت است که بیش از ۹۰ درصد آنها شهروندان ایالات متحده هستند. بعلاوه ، خواهان ادعا می کند که وودوارد - کلاید کانسالتنس اینترنشنال دیویژن که یکی از امضاء کنندگان موافقتنامه است ، بخشی از وودوارد - کلاید است ، که وودوارد - کلاید کانسالتنس ایران شعبه ای از وودوارد - کلاید کانسالتنس اینترنشنال دیویژن است ، و اینکه هیچکدام از آن دو دارای شخصیت حقوقی جداگانه ای نیستند. بالاخره ، خواهان مدعی است که وودوارد - نورانی شرکتی است که در سال ۱۹۷۴ در ایران تاسیس یافته و ۵۱ درصد سهام آن متعلق به شخصی بنام دکتر نورانی ، یکی از کارمندان وودوارد - کلاید ، و ۴۹ درصد متعلق به وودوارد - کلاید می باشد. خواهان ، بر اساس مراتب پیش گفته ادعا می نماید که در طول تمامی مدت موافقتنامه ، رابطه قراردادی مستقیمی با سازمان انرژی اتمی ایران داشته ، به دلیل اینکه بخش تابعه آن ، یعنی وودوارد - کلاید کانسالتنس اینترنشنال دیویژن طرف اصلی موافقتنامه بوده و ، نیز به دلیل اینکه بموجب اصلاحیه ۱۹۷۸ وودوارد - کلاید کانسالتنس اینترنشنال ، وودوارد - نورانی و سازمان انرژی اتمی موافقت کردند کلیه حقوق و تکالیف مشاور به

وودوارد - کلاید کانسالتنتس، ایران انتقال یابد.

خواهان اظهار می دارد که تمام کارهای مقرر در موافقتنامه را انجام داده و کلیه کارهای انجام شده مذکور به طور کامل، طبق موافقتنامه، توسط سازمان انرژی اتمی تجویز شده بوده است. خواهان همچنین مدعی است که کلیه گزارشهای مربوط به اجرای کار، خواه کتبی، خواه شفاهی، توسط سازمان انرژی اتمی تأیید شده است.

خواهان مدعی است مبلغ ۳۶۶،۵۵۰/۰۶ دلار آمریکا بابت حق الزحمه پرداخت نشده کارهای انجام شده، طلبکار است و این مبلغ شامل مطالب پرداخت نشده ای است که می بایست به صورت ادواری تادیه شود و نیز شامل مطالب مکسور از صورت حسابهای پرداخت شده بابت تضمین حسن انجام کار و پرداخت حق بیمه های اجتماعی توسط مشاور است. خواهان مضافاً اظهار می دارد که حق دارد بابت اقداماتی که جهت وصول طلب خود انجام داده، مبلغ ۸۳،۸۴۹ دلار آمریکا دریافت نماید. خواهان همچنین طالب بهره تا تاریخ ۱۷ فوریه ۱۹۸۲ (۲۸ بهمن ماه ۱۳۶۰)، به میزان ۲۷۴،۷۰۸/۸۷ دلار آمریکا بر اساس نرخهای دریافتی از وی، با اضافه بهره متعلقه بعدی، می باشد. بالاخره، خواهان بابت هزینه های داوری خود مبلغ ۲۳۱،۸۳ دلار آمریکا مطالبه می نماید.

خواننده، سازمان انرژی اتمی ایران استدلال می کند که دیوان داوری به دلایل زیر صلاحیت رسیدگی به ادعای او را ندارد: (الف) خواهان مدارک کافی جهت اثبات تابعیت خود ارائه نکرده است، (ب) خواهان استحقاق خود را نسبت به مطالبه حقوق متعلق به وودوارد - نورانی، وودوارد - کلاید کانسالتنتس اینترنشنال دیویژن وودوارد - کلاید کانسالتنتس، ایران، به اثبات نرسانده است، (ج) طرفهای قرارداد موسسات ایرانی هستند، و این واقعیت، طبق اظهار سازمان انرژی اتمی، نافی صلاحیت دیوان به نفع دادگاههای ایران است، و (د) موافقتنامه، در بخش ۲۵، حاوی قیدی است که اختلافات را به داوری رجوع می دهد، که به عقیده سازمان انرژی اتمی، صلاحیت دیوان را نسبت به ادعا، به موجب قید استثنای نهائی ذیل بند ۱ ماده ۲ بیانیه حل و فصل دعوی منتفی

می سازد.

در زمینه ماهیت دعوی ، سازمان انرژی اتمی ایران چندین فقره دفاعیه را مطرح می سازد. سازمان انرژی اتمی ایران معتقد است که مطابق موافقتنامه به دلیل اینکه حق الزحمه فقط به وودوارد - نورانی قابل پرداخت بود، خواهان حقی برای دریافت وجهی ندارد. سازمان انرژی اتمی ایران منکر آنست که اجازه چند فقره کار انجام شده توسط خواهان را صادر کرده و متذکر می گردد که در صورت این کارها ضرورت نداشته است. سازمان انرژی اتمی ایران همچنین مدعی است که خواهان با عدم تسلیم گزارش در باب پارهای خدمات تعمیراتی انجام شده، تعهدات خود را نقض کرده و سایر گزارش هایی که طبق موافقتنامه باید توسط سازمان انرژی اتمی ایران تأیید می گردید، توسط آن سازمان تأیید نشده است.

سازمان انرژی اتمی ایران ادعا می کند که پرداختهایی که طبق قرارداد انجام داده، مجموعاً " به مراتب از مبلغ مورد ادعای خواهان بیشتر بوده و بسیاری از صورتحسابهای پرداخت نشده به علت نداشتن اسناد تأییدی کافی، فاقد اعتبارند. سازمان انرژی اتمی ایران بدهی خود را بابت بخشی از ادعا که به نگهداری وجه الضمان حسن انجام کار مربوط می شود به دلایل زیر انکار می کند: اولاً " مشاور گزارشی در باب خدمات تعمیراتی فوق الذکر تسلیم نکرده و ثانیاً " در کار مشاور نقایصی بوده که حسب ادعا نیاز به این تعمیرات را بوجود آورده است. سازمان انرژی اتمی ایران همچنین بدهی خود را بابت مبالغی که جهت تضمین پرداخت تعهدات بیمه اجتماعی مشاور نگهداری شده است، به این دلیل انکار می کند که خواهان دین خود را در این مورد ادا نکرده و طبق مدلول موافقتنامه بر مفاصا حساب از سازمان بیمه های اجتماعی ایران ارائه نداده است.

بالاخره ، سازمان انرژی اتمی ایران مدعی است که چون هیچگونه بدهی پرداخت نشده ای باقی نمانده، خواهان نه حق دریافت هزینه های مربوط به وصول چنان وجوهی را دارد و نه مستحق دریافت بهره بابت اصل مبالغ

مورد ادعای باشد.

بعلاوه ، سازمان انرژی اتمی ایران چند فقره ادعای متقابل مطرح می سازد. اولاً ، سازمان بازپرداخت ۵۰/۳۰۰،۳۰۰ دلار آمریکا که طبق فرمول پرداخت حق الزحمه مندرج در قرارداد و فرمول تجدیدنظر شده مندرج در اصلاحیه ۱۹۷۶، به خواهان پرداخت شده است، را مطالبه می نماید به این دلیل که فرمول مصوب سازمان برنامه و بودجه ایران قانوناً "میزان حق الزحمه را محدود کرده و اصلاحیه ۱۹۷۶ طبق موازین قانون به موقع اجرا گذاشته نشده است. مضافاً" سازمان انرژی اتمی ایران به سرهای به مبلغ ۳۶/۷۹۷،۲۹۳ دلار بابت مبلغ مزبور مطالبه می کند. ثانیاً "سازمان انرژی اتمی ایران هزینه های را که مجموعاً" به ۳۵،۹۶۰ دلار آمریکا بالغ می گردد مطالبه می کند، مبلغی که گویا بعد از امتناع خواهان از رد دسترس قراردادن اصل سوابق و دفاتر در ایران ، که به ادعای سازمان انرژی اتمی ایران نقض بنده ۵-۵ موافقتنامه محسوب می گردد، صرف انجام حسابرسی دفاتر خواهان در ایالات متحده شده است. ثالثاً " ، سازمان انرژی اتمی ایران مبلغی به میزان ۲۱/۲۷۷،۰۸۰ دلار آمریکا بابت ما به التفاوت مالیات بر شرکتها که ظاهراً "خواهان طبق نرخهای مالیاتی که در مورد شرکت های ایران صادق است ، پرداخت کرده و مبلغی که خواهان حساب ادعا بابت به عنوان یک شرکت خارجی بپردازد، ادعا می نماید. رابعاً " ، سازمان انرژی اتمی ایران بابت هزینه های داوری خود مبلغ ۵۰،۰۰۰ دلار آمریکا مطالبه می کند.

در روز برگزاری جلسه استماع ، سازمان انرژی اتمی ایران لایحه ای تسلیم و ضمن آن دفاعیات و دعاوی متقابل قبلی خود را تکرار و سه ادعای متقابل جدید مطرح کرده و طی آنها (الف) مبلغ ۶۴/۳۹۵،۳۲۴ دلار آمریکا ظاهراً "بابت مالیاتهای پرداخت نشده و جرائم مالیاتی و دوارد - نورانی و خواهان ، (ب) مبلغ ۸۳/۹۴۳،۳۴۶ دلار آمریکا که حساب ادعا هر دو شرکت بابت تعهدات خود در قبال سازمان بیمه های اجتماعی ایران و بابت جرائم آن تعهدات بدهکارند، و (ج) بازپرداخت مبلغ ۵۶/۹۱۰،۲۳۸ دلار آمریکا که توسط سازمان انرژی اتمی ایران بابت وظائفی به خواهان پرداخت شده که طبق ادعای سازمان به طور ناقص

انجام شده و ضرورت نداشته است، مطالبه می نماید.

خواهان مسئولیت خود در مقابل کلیه دعاوی متقابل را انکار می کند. اولاً، خواهان مدعی است که برای اعاده هیچکدام از حق الزحمه ها که یا طبق فرمول مندرج در موافقتنامه اصلی یا طبق فرمول مندرج در اصلاحیه ۱۹۷۶ پرداخت شده است، مسئول نیست و استدلال خواهان در این مورد چنین است که دستورالعملهای سازمان برنامہ و بودجه ملاک نبوده و اینکه اصلاحیه ۱۹۷۸ عملاً "کل حق الزحمه را به کمتر از مقداری که طبق فرمول مندرج در موافقتنامه اصلی قابل پرداخت بوده، تقلیل داده است. ثانیاً"، خواهان منکر آنست که به نحوی مقررات مربوط به حسابرسی مندرج در موافقتنامه را نقض کرده یا اقدام آن باعث شده که سازمان انرژی اتمی ایران جهت انجام حسابرسی در ایالات متحده متحمل مخارجی گردد. ثالثاً، خواهان مدعی است که وی و وودوارد-کلاید اینترنشنال و وودوارد کلاید - ایران همواره به عنوان یک شرکت خارجی مالیات پرداخت می کرده اند و به وودوارد - نورانی همیشه به عنوان یک شرکت ایرانی مالیات تعلق می گرفته، و بنا بر این، هیچیک از این شرکتها بر اساس اساطهاراتی که توسط سازمان انرژی اتمی ایران به عمل آمده، هیچگونه مالیات اضافی دیگری بدهکار نیستند.

خواهان، بقیه دعاوی متقابل را به چند دلیل رد کرده و استدلال می نماید که طبق قواعد دیوان داوری این دعاوی متقابل به موقع به ثبت نرسیده و بنا بر این در دیوان قابل استماع نیستند.

قسمت سوم - ادعا

۱ - صلاحیت

خواهان مدارکی از قبیل فهرست سهامداران و سوغندنامه تسلیم کرده که ثابت می کند که در تمام تاریخهای ذیربط، به موجب قوانین ایالت نوادای آمریکا تاسیس یافته و اشخاص حقیقی تبعه ایالات متحده حقوقی برابر بیش از ۵۰ درصد سهام سرمایه ای خواهان را در تملک داشته اند. از

این رو، بنا به مدلول بند ۱ ماده هفت بیانیه حل و فصل دعاوی خواهان تبعه ایالات متحده محسوب می گردد.

بعلاوه، خواهان سوابق شرکت را تسلیم داشته که نشان می دهد که وودوارد - کلاید کانسالتنتس اینترنشنال دیویژن به عنوان بخش عملیات داخلی وودوارد - کلاید کانسالتنتس به وجود آمده و وودوارد کلاید ایران به عنوان شعبه بخش مزبور در ایران به ثبت رسیده است. خواندگان هیچگونه سندی که خلاف این مطلب باشد ارائه نداده اند. بنابراین، واضح است که این واحدها صرفاً "اجزاء" شخص حقوقی واحدی بوده و هرگونه حقوقی که به وودوارد کلاید اینترنشنال، به عنوان طرف موافقتنامه، و وودوارد کلاید ایران به عنوان قائم مقام حقوقی وودوارد - نورانی و وودوارد کلاید اینترنشنال، به موجب اصلاحیه ۱۹۷۸ تعلق گیرد، حقوقی است که به خواهان تعلق دارد.

سازمان انرژی اتمی ایران استدلال می کند که اصلاحیه ۱۹۷۸ بدلیل اینکه شخصی که از طرف سازمان آنرا امضاء کرده مجاز به امضاء نبوده، و به علت اینکه اصلاحیه مزبور یک ماه پس از "خاتمه دادن" به کار موضوع موافقتنامه امضاء شده، و به سبب اینکه پرداخت های بعدی، ظاهراً به درخواست وودوارد - کلاید اینترنشنال و وودوارد نورانی، به همان حسابی که طرف های سابق قرارداد مشترکاً "افتتاح کرده بودند، واریز گردیده است، فاقد اعتبار می باشد.

در مورد ادعای اول، ملاحظه گردیده که اصلاحیه ۱۹۷۸ از طرف رئیس سازمان انرژی اتمی ایران توسط شخصی که بنا به تصدیق سازمان انرژی اتمی ایران مدیر پروژه سازمان مزبور بوده است، امضاء شده است. این امضاء مثبت آن است که مدیر پروژه خود سازمان انرژی اتمی ایران نمایندگی آن سازمان و اختیار لازم را داشته که در این مورد از طرف رئیس سازمان انرژی اتمی ایران اقدام نماید. خواندگان هیچگونه مدرکی که خلاف این مطلب را ثابت نماید، تسلیم نکرده اند. بنابراین، دیوان داوری معتقد است

اصلاحیه را به این عنوان که امضاء کننده مجاز به امضاء نبوده است ، نمی توان بی اعتبار دانست .

اینکه اصلاحیه بعد از خاتمه کار مشاور در پروژه ، امضاء شده ، از نظر دیوان داوری ربطی به موضوع ندارد . در حقیقت سازمان انرژی اتمی ایران لااقل با انجام یک پرداخت دیگر بعد از تاریخ امضای اصلاحیه ۱۹۷۸ اجرای موافقتنامه را ادامه داد . واریز کردن وجه به همان حساب بانکی که پرداخت های قبلی به مشاور اصلی صورت می گرفت نیز ارتباطی به موضوع ندارد . چنانچه پرداخت مزبور ، بعد از امضای اصلاحیه ، طبق دستور طرف های اصلی موافقتنامه صورت گرفته باشد ، این عمل ، به قراری که سازمان انرژی اتمی ایران مدعی است ، می توانست حاکی از آن باشد که شرکتهای مزبور کماکان خود را طرف موافقتنامه تلقی می نموده اند . معذک ، نه اسنادی که سازمان انرژی اتمی ایران از آن ها نام برده و نه اسناد دیگری که در پرونده موجود است صدور چنان دستوری را تأیید نمی کند .

بنا به دلائل پیش گفته ، دیوان داوری اصلاحیه ۱۹۷۸ را معتبر می شناسد . به اعتبار این نظر ، دیوان داوری نیازی به اتخاذ تصمیم در این باره ندارد که آیا خواهان این حق را داشته است که کلیه حقوقی را که طبق موافقتنامه و در نبود اصلاحیه ۱۹۷۸ هم به وود وارد کلاید اینترنشنال و هم به وود وارد - نورانی تعلق می گرفت ، اعمال نماید یا خیر .

به علاوه ، دیوان داوری باید این ادعا را هم که به اعتبار هویت ایرانی طرفهای اصلی موافقتنامه این ادعا تحت صلاحیت انحصاری دادگاههای ایران قرار می گیرد ، رد کند . بطوری که در بالا اشاره شد ، وود وارد کلاید اینترنشنال " صرفاً " یک بخش عملیاتی خواهان ، که یک شرکت آمریکائی است ، بوده و بنا بر این تبعه ایران نمی باشد .

مسئله باقی مانده ای که باید در مورد صلاحیت حل شود این است که آیا اختلاف در حیطه صلاحیت انحصاری دادگاههای ایران قرار دارد یا خیر . بنسبت ۲۵ موافقتنامه حل و فصل اختلافات را از طریق داوری پیش بینی می کنند . نظر دیوان داوری این بوده است که چنین قیدی به گونه ای نیست که رسیدگی به هر اختلاف [ساتی از موافقتنامه] را " مشحماً " در صلاحیت انحصاری

دادگاههای صالحه ایران ... قرارداد " و نتیجتاً " صلاحیت دیوان داوری به موجب بند ۱ ماده دو بیانیه حل و فصل دعاوی جهت رسیدگی به دعوی را نفی نماید. رجوع شود به گیزاندهیل ، اینکورپوریتد ، وتوانیر و سایرین ، پرونده شماره ۶ ، قرار اعدادی شماره ۶ - ۱ - دیوان عمومی.

بنابه مراتب پیش گفته ، دیوان داوری بر این نظر است که جهت رسیدگی به ادعای صلاحیت دارد.

۲ - بدهی طبق ادعا

مدارک ثابت می کنند که خواهان خدمات مربوط به دوازده مورد را طبق موافقتنامه انجام داده و صورت حسابهای مربوط به این خدمات پرداخت نشده است . سازمان انرژی اتمی ایران دفاعیات متعددی را ، در مقابل مسئولیت بابت پرداختهای بیشتری طبق موافقتنامه مطرح ساخته است . به عنوان فتح الباب ، ادعای سازمان انرژی اتمی ایران داور اینک که طبق موافقتنامه تنها وودوارد - نورانی حق دریافت وجوه را دارد ، باید مردود شناخته شود . به موجب اصلاحیه ۱۹۷۸ خواهان وارث کلیه حقوق وودوارد - نورانی شده و بنا بر این ، هر نوع بدهی که طبق موافقتنامه باقی مانده باشد ، بدهی به خواهان محسوب می گردد .

طرفین در این مورد اختلاف نظر دارند که آیا کلیه کارهایی که توسط مشاور انجام شده یا اجازه سازمان انرژی اتمی ایران بوده یا خیر . خواهان مدعی است که در هر موردی یا سازمان انرژی اتمی ایران اجازه را کتبا صادر کرده و یا بصورت شفاهی بوده که بعداً " توسط مشاور کتبا " تأیید گردیده است . سازمان انرژی اتمی ایران اقراری کند که پیشنهاد های مشاور را جهت انجام کارهایی که سازمان آن را " مطالعات فرعی " می نامد ، تأیید کرده ، اما با این وصف مدعی است که اجازه های که خود صادر کرده بی اعتبار است ، زیرا که اجازه شفاهی در موافقتنامه پیش بینی نشده است . بعلاوه سازمان انرژی اتمی ایران مدعی است که کارهای یاد شده بهر حال غیر ضروری بوده است .

به نظر میرسد که اجازه نه فقره از دوازده مورد کار انجام شده توسط خواهان، در پیوست موافقتنامه به طور مشخص داده شده است. بنابر موافقتنامه، داشتن اجازه کتبی را برای "کارهای تکمیلی" که در مورد سه مورد بقیه مادی است، لازم می شمارد. لیکن، مدارک نشان می دهد که سازمان انرژی اتمی ایران، در ارتباط با تمام دوازده مورد پرداخته شده انجام داده که مویده آنست که بهر حال سازمان انرژی اتمی ایران در مورد انجام هر یک از کارها رضایت خود را به مشا و را بلاغ کرده است. نظریه اینکه مشا و ربه اتکای رضایت صریح سازمان انرژی اتمی ایران کارها را انجام داده، اکنون سازمان انرژی اتمی ایران صرفاً به این دلیل که هیچیک از طرفین تشریفات موافقتنامه را رعایت نکرده است، نمی تواند زیرمسئولیت شانه خالی کند.

دومورد از کارها مربوط به ایجاد شبکه لزره نگاری در بوشهر، ایران می باشد. بعد از نصب شبکه در اواخر ۱۹۷۷ و وقوف به اینکه شبکه درست کار نمی کند، مشا و ربه عنوان یک کار اضافی آن را تعمیر کرد. خواهان اظهار می دارد که سازمان انرژی اتمی ایران رسماً "تائید نموده که شبکه کاملاً" نصب شده، مسئولیت تعمیرات و عملیات بعدی آن را به عهده گرفته و کار نکردن شبکه به علت خرابکاری ناشی از ترتیبات حفاظتی غیر کافی بوده و تعمیرات به نحو موفقیت آمیزی تکمیل گردیده است. قسمتی از ادعای خواهان در ارتباط با صورت حسابهای مربوط به انجام آن دو فقره کار است. سازمان انرژی اتمی ایران منکر تائید نصب کامل شبکه است و استدلالش اینست که بهر حال تائید از این دست، از مشا و ربه است و اقصی کار رفع مسئولیت نمی کند. علاوه بر این، سازمان انرژی اتمی ایران مدعی است که فی الواقع وجود نقص در کار مشا و ربه باعث شده است که شبکه درست کار نکند. بالاخره، سازمان انرژی اتمی ایران ادعا می کند که مشا و ربه با عدم تسلیم گزارش تعمیرات، از وظایف خود شانه خالی کرده است. سازمان انرژی اتمی ایران، بر اساس این استدلال هم پرداخت وجه بیشتری را بابت کار رد می کند و هم از آزاد کردن مبالغی که تحت عنوان ۱۰٪ ضمانت حسن انجام کار نگاه داشته است، خودداری می نماید.

خواهان نامه‌ای را که مشاور به سازمان انرژی اتمی ایران نوشته، تسلیم کرده است که در آن نصب شبکه گزارش و رسما " به سازمان انرژی اتمی ایران تحویل شده است. امضای دوم نامه رایکی از مقامات سازمان انرژی اتمی ایران کرده که دال بر اینست که کار مورد پذیرش قرار گرفته و در این مورد باید قطعی و نهائی تلقی گردد.

سازمان انرژی اتمی ایران در مورد ادعایش راجع به نقص کار، منکر آنست که اقدامات خرابکاران موجب درست کار نکردن شبکه شده است، بلکه مدعی است که تعدادی از کارکنان مشاور مسئول نصب شبکه، حائز شرایط نبوده و از روی مسامحه به شرایط اثر گذارنده خاص در منطقه شبکه توجه نکرده اند. با اینحال، سازمان انرژی اتمی ایران به استثنای یک نظر نهائی که در سوگندنامه یکی از مقامات سازمان ابراز گردیده است، هیچگونه مدرکی در تائید ادعای خود تسلیم نکرده است. چنین سوگندنامه‌ای چیزی به ادعای اولیه سازمان انرژی اتمی ایران اضافه نمی‌کند. علاوه بر این، طبق بند ۲۸ موافقتنامه که مقرر می‌دارد که کارهای ترمیمی لازم جهت اصلاح نواقص در کار مشاور باید بدون هزینه اضافی توسط مشاور انجام گیرد، انجام پرداخت توسط سازمان انرژی اتمی ایران بابت پاره‌ای از خدمات تعمیراتی نشان می‌دهد که، لااقل در آن موقع، سازمان مشاور را در مورد درست کار نکردن شبکه مقصود نمی‌شناخت. بدینقرار، دیوان داوری نمی‌تواند چنین نتیجه‌گیری نماید که مشاور در انجام این وظیفه مسامحه کرده است.

درباب فقدان گزارش در مورد تعمیر، باید متذکر شد که سازمان انرژی اتمی ایران منکر این نیست که تعمیرات تکمیل نشده است. علاوه بر این، موافقتنامه تنها "گزارش‌های شفاهی یا کتبی... معمول در مهندسی مشاور، از نوعی که مشاور مورد بحث قرار بود انجام دهد" را لازم دانسته است. هیچگونه مدرکی حاکی از اینست که سازمان انرژی اتمی ایران ضمن دادن اجازه انجام این کار چنان شرطی را بیان کرده است،

تسلیم نشده است. در اینمورد هم بحثی به میان نیامده است که در بین این قبیل مهندسين مشاور رسم براي باشد که سواي مورد انجام مطالعه و بررسی، مثلا راجع به کاری که متضمن اقدام خاصی است، گزارشی تهیه شود. بنابراین، روشن است که مشاور این کارها را بطور کامل انجام داده و خواهان حق دارد که باقیمانده و حوهی را که پرداخت نشده است، دریافت نماید.

بعلاوه در مورد و فقره کار (۱) هم که سازمان انرژی اتمی قبول دارد توسط مشاور انجام گرفته و گزارشهای نهائی آنها تسلیم شده اختلاف وجود دارد. سازمان انرژی اتمی ایران مدعی است که چون کار غیر ضروری و ناقص بوده، از قبول گزارشها خودداری کرده است. همانطور که دیوان در بالا نظر داده است، اجازه انجام این کارها داده شده بوده و بنابراین نیازی نیست که دیوان داوری معلوم نماید که آیا این کارها ضروری بوده یا نبوده است. علاوه بر این، با اینکه سازمان انرژی اتمی ایران اظهار میدارد که ممکن است خواهان در پیشنهاد کردن این کارها بیشتر تحت تاثیر علائق و مصالح آکادمیک خود بوده تا نیازهای سازمان انرژی اتمی ایران، ولی مطلقا هیچگونه مدرکی که موید چنین استنتاجی باشد، در دست نیست.

برای نشان دادن اینکه کار انجام شده در این دو مورد نقص داشته، هیچگونه مدرکی ارائه نشده است. فی الواقع، سازمان انرژی اتمی ایران، نواقص ادغائی را مشخص نمی سازد. علاوه بر این، موافقتنامه به ترتیبی که اصلاح شده است، مقرر می دارد که سازمان انرژی اتمی ایران گزارشها را ظرف ۱۲۰ روز از تاریخ وصول بررسی کرده و آنها را قبول یا رد کند. واضح است که ظرف مدت مقرر چنین اقدامی به عمل نیامد. با توجه به چنین اوضاع و احوالی، امتناع فعلی سازمان انرژی اتمی ایران از قبول گزارشها، نمی تواند آن سازمان را از تعهداتی که طبق موافقتنامه جهت پرداخت دارد، مبرا سازد. از این رو، این دفاعیه هم باید مردود شناخته شود.

خواهان در تائید ادعای خود بابت مبالغ کسر شده جهت تضمین پرداخت تعهدات مربوط به بیمه‌های اجتماعی، ابتدا به تلکسی اشاره کرده که حسابدار ایرانی خواهان فرستاده و ضمن آن اظهار داشته است که یک فقره برگ مفاصا حساب قبلا" در تاریخ ۱۷ اکتبر ۱۹۷۹ (۲۵ مهر ماه ۱۳۵۸) توسط سازمان بیمه‌های اجتماعی ایران صادر گردیده است. خواهان، پس از جلسه استماع نسخه‌ای از مفاصا حساب مزبور را به دست آورده و به دیوان تسلیم نمود. سازمان انرژی اتمی ایران در تائید ادعاهای خود مبنی بر اینکه خواهان هنوز تعهداتی بابت پرداخت حق بیمه اجتماعی دارد، نامه‌هایی را از طرف سازمان بیمه‌های اجتماعی تسلیم کرده که مطابق آنها خواهان و وودوارد - نورانی مبالغ معتنا بهی، به شرح مذکور در آن نامه‌ها، بدهکاری می‌باشند. از صدور برگ مفاصا حساب ذکری به میان نیامده، اشاره‌ای به هیچگونه پرداختی ظرف سالهای مورد بحث به عمل نیامده و درباره روشن احتساب مبلغی که حساب ادعا واجب‌الادامی باشد، توضیحی داده نشده است.

در حالیکه در حالت هیچیک از برگ مفاصا حسابی که توسط خواهان و وودوارد - نورانی که توسط سازمان انرژی اتمی ایران تسلیم شده شک و شبهه‌ای نیست، این اسناد نمایانگر نتیجه‌گیریهای بکلی ضدونقیضی توسط سازمان بیمه‌های اجتماعی است که تلفیقشان غیر ممکن است. نظریه اینکه، یکی از این نتیجه‌گیریها مقارن وقوع حوادث مورد بحث و دیگری در جریان تعقیب قضائی حاضر صورت گرفته است، و با توجه به قاعده کلی در مورد ادله اثبات دعوی دائر بر اینکه اظهارات متناقض طرف ذینفع باید به زیان طرف مزبور تعبیر و تفسیر شود، دیوان دآوری بر این عقیده است که خواهان مطابق موافقتنامه مفاصا حساب لازم را دریافت کرده و حق دارد مبلغی را که بابت تضمین بیمه‌های اجتماعی کسر شده است، دریافت کند.

در ارتباط با ادعای سازمان انرژی اتمی ایران دائر بر اینکه صورت حسابها دارای اسناد تائیدی کافی نیست، هر دو طرف مدارک مربوط به دوبار حسابرسی صورت حسابها را که در سال ۱۹۷۷ به عمل آمده و قبلا" تسلیم شده است، ارائه داده‌اند. این مدارک حاکی است که طرفین در مورد اقلام مورد ادعای در

حسابرسیهای مزبور به توافق رسیده‌اند، بدینقرار که مبلغ ۶۸،۰۷۰/۳۴ دلار آمریکا بابت اشتباه در صورتحسابها به بستانکار سازمان انرژی اتمی ایران منظور و مبلغ ۳۳،۶۷۸/۰۱ دلار آمریکا بابت مخارج نامشخصی که در تهیه صورتحسابها از قلم افتاده بوده به حساب و وودارد کلاید ایتروشنال بستانکار گردد. ظاهراً " این ارقام بستانکاری در صورتحسابهای بعدی منعکس نشده و لذا، سازمان انرژی اتمی ایران هنوز نسبت به دریافت طلب خالص ۳۴،۳۹۲/۳۳ دلار آمریکا ذیحق می باشد. سازمان انرژی اتمی ایران در مورد ایرادی که نسبت به صورتحسابهای تسلیمی بعد از انجام حسابرسی دارد، مدارکی ارائه نداده و مشخص نکرده است که درجه موردی این صورتحسابها فاقد اسناد کافی می باشند. با توجه به این نکته، دیوان داوری نمی تواند از دفاع سازمان انرژی اتمی ایران در ارتباط با صورتحسابهایی که جزو صورتحسابهای حسابرسی شده در سال ۱۹۷۷ نبوده‌اند، حمایت نماید.

بنابراین دلائل مذکور، دیوان داوری معتقد است که سازمان انرژی اتمی ایران در قبال کلیه مطالب پرداخت نشده‌ای که ارسال صورتحساب بابت آن مطالب به اثبات رسیده یا به نحو دیگری واجب الادا بوده و مورد ادعای خواهان باشد، منتهای مبلغی که در نتیجه حسابرسیهای سال ۱۹۷۷ طلب خالص سازمان انرژی اتمی ایران است، مسئولیت دارد. موضوع مطالب واجب الادا ذیل " در پاراگراف ۳ قسمت سوم مورد بحث قرار گرفته است.

خواهان همچنین بابت مخارجی ادعا مطرح می سازد که گویا برای وصول مطالبی که طبق موافقتنامه بابت خدمات وی قابل پرداخت بوده، متقبل شده است. با اینکه به وضوح بین عدم پرداخت سازمان انرژی اتمی ایران طبق موافقتنامه و مساعی خواهان در وصول وجوه واجب الادا رابطه‌ای وجود دارد، خواهان هیچ اصل حقوقی را که ادعایش بر آن مبتنی باشد، ذکر نکرده است. دیوان داوری در گذشته حکمی بابت جبران هزینه‌های وصول مطالبات صادر نکرده است. علاوه بر این، در اینکه چنین هزینه‌هایی بر اساس سیستم های حقوقی داخلی بطور کلی قابل جبران باشند، شک و تردید وجود دارد. بالاخره، به نظر می رسد که سایر دیوانهای دعاوی بین المللی صریحاً

از صدور رای جهت جبران خسارات در این زمینه خودداری کرده اند .
فی‌المثل، رجوع شود به ، شرکت دریانوردی چین با مسئولیت محدود ،

(انگلیس علیه ایالات متحده)
China Navigation Co. , Ltd . (G.B.v.U.S.) 6 R.

Int'l Arb. Awards 64, 68

(هزینه‌های حقوقی که قبلاً به وجود آمده "خسارات غیر مستقیم تصادف بوده ، اما یک اصل بسیار معروف حقوقی در زمینه خسارات این است که آنچه که باید مورد توجه قرار گیرد علت مستقیم است نه علت غیر مستقیم و بعید)*. بنابراین، دیوان داوری عقیده دارد که سازمان انرژی اتمی ایران مسئول مخارجی نیست که خواهان احتمالاً ضمن کوشش برای وصول مطالبی که طبق موافقتنامه واجب‌الادایه بوده ، متقبل شده است .

دیوان داوری دلیلی برای مسئول شناختن مسئولان دولت ایران به موجب ادعا ، در دست ندارد . بنابراین، ادعا تا آنجا که علیه دولت اقامه شده باید مردود شناخته شود .

۲- میزان خسارات

خواهان بر اساس قیاسی از کارهای انجام شده ، ابتدا مدعی بود که وی طبق موافقتنامه صورت حسابهای تسلیم کرده است که جمعاً بالغ بر ۲۴/۶۰۶/۲۰۳۳،۶۰۳ دلار آمریکا میشود و اینکه از این مبلغ سازمان انرژی اتمی ایران مجموعاً ۲۵/۶۶۴/۱۰۶۳۲،۶۶۴ دلار آمریکا پرداخت نموده است . سازمان انرژی اتمی در پاسخ اظهار نموده که در واقع مبلغ ۱۹/۳۰۲/۱،۸۸۵،۳۰۲ دلار آمریکا پرداخت کرده است . در نتیجه مدارکی که سازمان انرژی اتمی ایران در تائید موضع خود ارائه کرده و خواهان بعد از پیدا کردن مدارک اصلی در سوابق خود ، می‌بایست مورد اختلاف را مجدداً محاسبه کرده و اکنون گفته سازمان انرژی اتمی ایران را در مورد جمع مبلغ پرداخت شده ، قبول دارد . با اینحال ، خواهان همچنین مدعی است که احتساب مجدد روشن می‌سازد که وی فی‌الواقع صورت حسابهای جمعاً بالغ بر ۴۸/۷۲۱/۲،۳۱۳،۷۲۱ دلار آمریکا تسلیم کرده بوده است .

* CAUSA PROXIMA NON REMOTA SPECTATUR

جمع صورتحسابهای تسلیمی خواهان از فهرستی که به دیوان ارائه داده معلوم می‌شود. این فهرست شماره صورتحسابها و جمع ارقام بدهکار یا بستانکار هر صورتحساب را به دلار یا به ریال نشان می‌دهد. خواهان در تائید ارقام مندرج در این فهرست، نسخه‌هایی از اسنادی که ظاهراً عبارات است از "کلیه صورتحسابهایی که توسط وودوارد - کلایسد به سازمان انرژی اتمی ایران تسلیم شده" ارائه نموده است. اما، بعد از بررسی و مطابقت، تعدادی از صورتحسابهای مندرج در فهرست جزو ضام نام خواهان یافت شده و با تنظیم جدول صورتحسابهایی که هم در فهرست و هم در ضام نام مندرج است کل مبلغ خالص منظور شده به بدهکاری سازمان انرژی اتمی ایران به ۲،۱۹۸،۸۱۵/۷۱ دلار آمریکا بالغ می‌گردد.^(۱) رونوشت رسید پرداخت‌هایی که توسط سازمان انرژی اتمی ایران تسلیم شده نشان می‌دهد که پرداخت‌هایی که بابت تعدادی از صورتحسابها انجام شده و در فهرست خواهان موجود بوده، اما به عنوان مدرک ارائه نشده است، بالغ بر ۱۱۷،۷۳۸/۳۵ دلار دیگری شود. همچنین در بین مستندات خواهان صورتحسابهایی هست که در فهرست تسلیمی خواهان مشاهده نمی‌شود و کل رقم خالص آنها بالغ بر ۵۲،۳۹۷/۱۸ دلار آمریکا می‌شود. بالاخره، فهرست خواهان شامل پاره‌ای اعلامیه‌های بستانکاری است که بر عهده سازمان انرژی اتمی مادر شده و در هیچ یک از مستندات دیده نمی‌شود و کل مبلغ آن بالغ بر ۴۹،۲۸۶/۱۵ دلار آمریکا است. قابل کسر بودن این مبلغ از سایر صورتحسابها را باید پذیرفته شده توسط خواهان تلقی کرد.

بنابراین، مدارک این نتیجه را تأیید می‌کنند که مشاوری صورتحسابهایی به مبلغ خالص ۲،۳۱۹،۶۶۵/۰۴ دلار آمریکا فرستاده که با کسر مبلغ ۱،۸۸۵،۳۰۲/۱۹ دلار پرداختی مورد ادعای سازمان انرژی اتمی ایران، مبلغ ناخالصی به میزان ۴۳۴،۳۶۲/۹۰ دلار آمریکا به دست می‌دهد که پرداخت نشده است. این مبلغ شامل مقادیری است بابت صورتحسابها، از جمله مبالغی که بابت تصمیم حسن انجام کار و بیمه اجتماعی از صورتحسابها کسر شده است.

(۱) در اینجا تبدیل ارز با نرخ ۶۹/۱۵ ریال برابر یک دلار، یعنی نرخ متوسط تبدیل ارز ارسال ۱۹۷۵ تا ۱۹۷۸ طبق محاسبه سازمان انرژی اتمی ایران، صورت گرفته است.

با توجه به اینکه دیوان داوری مشخص نموده است که سازمان انرژی اتمی ایران حق دریافت صورت حسابها طلب خالصی به مبلغ ۳۴،۳۹۲/۳۳ دلار آمریکا دریافت نماید، مبلغ خالص قابل پرداخت به خواهان توسط سازمان انرژی اتمی ایران ۳۹۹،۹۷۰/۵۷ دلار آمریکا می شود. با اینحال، مبلغ خواسته مورد نظر خواهان محدودیتی برای دیوان داوری ایجاد کرده و بنا بر این دیوان حکمی به مبلغ ۳۶۶،۵۵۰/۰۶ دلار آمریکا بابت مبلغ اصل ادعا صادر می نماید. (۱)

علاوه ، خواهان بابت مبلغ مزبور بهره ای به نرخ تجاری از تاریخ آخرین پرداخت سازمان انرژی اتمی ایران در ژوئن ۱۹۷۸ مطالبه می نماید. ولی به نظر دیوان داوری نرخ ۱۰٪ در سال نرخ مناسبی بوده و از این رو، مقرر می دارد که بهره ای به این نرخ از اول ژوئیه ۱۹۷۸ (۱۰ تیرماه ۱۳۵۷)، تا تاریخی که کارگزار امانی دستور پرداخت را به بانک امین بدهد، پرداخت گردد.

چهارم - دعاوی متقابل

اولین ادعای متقابل سازمان انرژی اتمی ایران بر این اظهارات سازمان مزبور مبتنی است که فرمول حق الزحمه که در موافقت نامه مندرج است موازین اداری قابل اعمال را نقض کرده و فرمول اصلاح شده مندرج در اصلاحیه ۱۹۷۶ به دلیل بی اعتبار بودن خود صلاحیه، قابل اجراییست. ادعای متقابل بنا به هر یک از اظهارات فوق، به وضوح ناشی از همان قرارداد مورد اختلافی است که موضوع ادعای تشکیل می دهد، و علیه خواهان اقامه شده است، و بنا بر این طبق بند ۱ ماده دویسیانه حل و فصل دعوی در حیطه صلاحیت دیوان داوری قرار می گیرد.

(۱) دیوان داوری متذکر می شود که طرفین اسناد زیادی بدون توضیحات کافی تسلیم کرده، دیوان داوری را ناگزیر نموده اند که وقت زیادی جهت تلفیق و انطباق آنها صرف نماید. این ترتیب، نه از لحاظ طرفین و نه از نقطه نظر دیوان روش دلخواهی به شمار نمی آید.

سازمان انرژی اتمی ایران در تائید ادعای اول خود چنین استدلال می کند که هم طبق قوانین ایران و هم ماده ۲۵ موافقتنامه، سازمان برنامه و بودجه ایران بر موافقتنامه "نظارت و کنترل مستقیم اعمال می نماید". سازمان انرژی اتمی ایران نامه مورخ ۲۶ ژانویه ۱۹۸۱ (۶ بهمن ماه ۱۳۵۹) سازمان برنامه و بودجه به سازمان انرژی اتمی ایران را تسلیم داشته که خاطر نشان می سازد که "ضریب هزینه های ثابت مشاور بین حداقل ۱/۲۰ تا حداکثر ۲/۵۰ می تواند قابل نوسان باشد". بر اساس نوشته مزبور، سازمان انرژی اتمی ایران مدعی است که هم ضریب ۲/۹۰ مندرج در موافقتنامه و هم ضریب اصلاحی ۳/۵۰ مضبوط در اصلاحیه ۱۹۷۶ بیش از حد متعارف بوده و بنا بر این سازمان انرژی اتمی ایران استحقاق آن را دارد که مبلغ ۵۰۶،۳۰۰/۵۰ دلار اضافه پرداختی بر مبنای ضرائب مزبور را استرداد نماید.

سازمان انرژی اتمی ایران در باب این قضیه که شرایط موافقتنامه به طریق عطف به ماسبق مشمول تجدید نظر توسط سازمان برنامه و بودجه بوده، نظر رهیب مرجع حقوقی را نقل نکرده و همچنین نه سازمان انرژی اتمی ایران و نه نامه سازمان برنامه بودجه ذکری از مقرراتی که استنتاج نامه مزبور بر آن مبتنی باشد، به میان نیاورده است.

علاوه بر این، ماده ۲۵ موافقتنامه در صورتی که هر یک از طرفین به قید داور موافقتنامه متوسل گردد، فقط اختیار نصب داور سومی را به سازمان برنامه و بودجه می دهد و در این مورد نه خواهان و نه سازمان انرژی اتمی ایران مدعی وقوع چنین امری نشده است. مضافاً "شرایط مندرج در نامه به ضریب "هزینه های ثابت" اشاره می کند، در صورتیکه ضریب مورد بحث مربوط به هزینه های متغیر مربوط به کارکنان است. بالاخره، باید متذکر گردید که نامه سازمان برنامه و بودجه در جریان تعقیب قضائی حاضر توسط یک سازمان وابسته به خواننده، دولت ایران، تهیه شده است. دیوان داور نمی تواند هیچگونه پایه و اساسی بیابد که به اتکاء آن نظر دهد که نامه سازمان برنامه و بودجه با حقوق مطروحه توسط خواهان مرتبط بوده و یا در صورت ارتباط، بتواند ادعای سازمان انرژی اتمی ایران را اثبات نماید، لذا این ادعا باید مردود شناخته شود.

به نظرمی آید ادعای دوم سازمان انرژی اتمی ایران بردرک نادرست اثر اصلاحیه ۱۹۷۶ مبتنی است. اگرچه، همانطور که سازمان انرژی اتمی ایران متذکر می شود، درست است که اصلاحیه، ضریب قابل اعمال را از ۲/۹ به ۳/۵ افزایش داده، اما این نیز صحت دارد که اصلاحیه رقم مضروب فیه ضریب را تغییر داده است، به نحوی که از آن ببعده به جای رقم بزرگتر "هزینه ساعتی کارکنان" مقرر در موافقتنامه، حق الزحمه مشاور طبق ضریب "هزینه ساعتی حقوق" قابل پرداخت بوده است. مدارک نشان می دهد که اگر از این نقطه نظر سازمان انرژی اتمی ایران فائق می شد، اثر آن تنها این می بود که میزان مورد استحقاق خواهان به موجب موافقتنامه را افزایش دهد. از آنجا که اظهارات مزبور در هر صورت ادعای متقابل را تأیید نمی کند دیوان داوری نیازی به تعیین این موضوع ندارد که آیا اصلاحیه ۱۹۷۶ بطور قانونی و معتبر منعقد گردیده است یا خیر. بنا بر مراتب فوق الذکر، دیوان داوری ادعای متقابل اول جهت اعاده پرداخت ها و بهره مربوطه را مردود می شناسد.

ادعای متقابل دوم سازمان انرژی اتمی ایران خسارات تبعی بابت هزینه هایی که ظاهراً "سازمان مزبور بعلت خودداری خواهان از رد دسترس قرارداد ن سوابق، حسب ادعا برخلاف ماده ۵ - ۵ موافقتنامه، در ایران، به منظور انجام حسابرسی دفاتر سوابق خواهان در ایالات متحده متقبل شده است، مطالبه می نماید. ادعای متقابل آشکارا ناشی از قراردادی است که موضوع ادعا است و علییه خواهان مطرح گردیده، ولذا در حیطه صلاحیت دیوان داوری قرار می گیرد، اما، سازمان انرژی اتمی ایران سوابق مورد نظر خود جهت حسابرسی را تصریح نکرده است تا دیوان داوری بتواند معلوم نماید که آیا سوابق مزبور "سوابق مورد نیاز جهت حسابرسی حق الزحمه های مربوط به کار انجام شده" طبق بند ۵ - ۵ موافقتنامه بوده است یا خیر. بعلاوه، سازمان انرژی اتمی ایران هیچگونه مد رکی در مورد هزینه هایی که به منظور انجام حسابرسی متحمل شده، تسلیم نکرده است. بنا بر این، دیوان داوری بایست ادعای متقابل دوم را به علت فقد دلیل مردود شناسد.

ادعای متقابل سوم سازمان انرژی اتمی ایران بر این نظر مبتنی است که مالیات هایی که خواهان بابت فعالیت های خود طبق قرارداد پرداخته به طرز نادرستی به نرخ هایی که در مورد شرکتهای ایرانی، و نه شرکت های خارجی، صادق

است، محاسبه شده است. دیوان داورى هنوز در این زمینه تصمیمی نگرفته است که آیا طبق بند ۱ ماده دو بیانیه حل و فصل دعاوی صلاحیت دیوان ادعاهای متقابل را که بابت تعهدات مالیاتی پرداخت نشده، خواسته ایجابی مطرح می سازند (AFFIRMATIVE RELIEF) در برمی گیرد یا خیر. و ضرورتی هم ندارد که ما در اینجا این مسئله را راحل کنیم. سازمان انرژی اتمی ایران در تائید ادعاهای خود که ادعای متقابل بر آن مبتنی بوده و خواهان منکر آنست، هیچگونه مدرکی ارائه نداده است. اینگونه اسناد باید در اختیار سازمانهای خواننده، دولت ایران قرار داشته باشد، در نبود مدارک، ادعای متقابل باید به علت فقد دلیل مردود شناخته شود.

کلیه سه ادعای متقابل که در روز برگزاری جلسه استماع تسلیم شده، ادعاهائی را که قبلاً توسط سازمان انرژی اتمی ایران عنوان نشده بوده، مطرح می سازند. ادعای متقابل بابت بدهی مالیات مورد ادعا با ادعای متقابل مربوط به مالیات که به همراه لایحه دفاعیه سازمان انرژی اتمی ایران به ثبت رسیده، متفاوت است، زیرا این ادعای متقابل ظاهراً " مبتنی بر عدم پرداخت، چه به صورت یک شرکت ایرانی و چه به صورت یک شرکت خارجی است. علاوه بر این، با اینکه سازمان انرژی اتمی ایران درقبال ادعای خواهان در مورد مطالب کسر شده بابت تضمین بیمه های اجتماعی، بر این اساس که پرداخت های مزبور واجب الادا بوده و هیچگونه مفاصا حسابی صادر نگردیده، دفاع نموده است، مع هذا، سازمان انرژی اتمی ایران قبلاً جهت وصول مطالبی که حسب ادعا واجب الادا می باشد، ادعای متقابل مطرح نساخته بوده. بالاخره، ادعای متقابل مربوط به اعاده پرداخت بابت دو فقره کاری که گزارش های آنها رسماً از طرف سازمان انرژی اتمی ایران مورد تائید قرار نگرفته، تا قبل از برگزاری جلسه استماع ارائه نشده بود.

بند ۳ ماده نوزده قواعد دیوان داورى مقرر می دارد که خواننده می تواند ادعای متقابل در لایحه دفاعیه خود "یا در مراحل بعدی جریان داورى، در صورتی که دیوان تشخیص دهد که با توجه به اوضاع و احوال تاخیر موجه بوده است" مطرح سازد. توجه دیوان داورى به هیچگونه اوضاع و احوالی که تاخیر شست این

سه فقره ادعای متقابل تا روز برگزاری جلسه استماع را توجیه نماید، جلب نشده است. بنا براین، سه فقره ادعای متقابل حاضر مردود شناخته می شود.

پنجم - هزینه های داوری

با توجه به اوضاع و احوال این پرونده و با اعمال مواد ۳۸ و ۴۰ قواعد دیوان داوری، دیوان معتقد است که خواهان استحقاق دریافت ۲۵،۰۰۰ دلار آمریکا بابت هزینه های داوری خود را، دارد.

ششم - حکم

دیوان داوری حکم زیر را صادر می کند:

ادعا، تا آنجا که علیه خواننده دولت جمهوری اسلامی ایران اقامه شده رد می شود.

ادعای خواهان بابت هزینه های وصول مطالب مورد طلب مردود شناخته می شود.

دعای متقابل خواننده، سازمان انرژی اتمی ایران مردود شناخته می شود.

خواننده سازمان انرژی اتمی ایران متعهد است و باید مطالب زیر را به خواهان وودارد. - کلایدکا نسلتنتس پرداخت نماید:

۱ - مبلغ سیصد و شصت و شش هزار و پانصد و پنجاه دلار و شش سنت آمریکا

(۳۶۶،۵۵۰/۰۶ دلار) با ضافه بهره به نرخ سالانه ده (۱۰) درصد از

تاریخ اول ژوئیه ۱۹۷۸ (۱۰ تیرماه ۱۳۵۷) تا تاریخی که کارگزار

امانی دستور پرداخت را از محل حساب تضمینی به بانک امین

بدهد، و

۲ - مبلغ بیست و پنج هزار دلار آمریکا (۲۵،۰۰۰ دلار) بابت


هزینه های داوری.

مبالغ مزبور باید از حساب تضمینی که به موجب بند ۷ بیانیه مورخ ۱۹ ژانویه

۱۹۸۱ (۲۹ دیماه ۱۳۵۹) دولت جمهوری دمکراتیک و مردمی الجزایر افتتاح گردیده ،
پرداخت شود .

بدینوسیله این حکم جهت ابلاغ به کارگزاران مانی به رئیس دیوان داورى تسلیم
می گردد .

لاسه ، بتاريخ ۲ سپتامبر ۱۹۸۳ برابر با ۱۱ شهریور ماه ۱۳۶۲



نیلس منگارد
رئیس شعبه سه

بنام خدا

م. جهانگیر ثانی



ریچارد ام. ماسک

توضیحی در باب امضاء نشدن احکام توسط قاضی ثانی

شورهای مربوط به پیرونده حاضر با حضور اعضای آن منگارد، چنانگیر ثانی و ماسک، پس از استماع مورخ ۱۱ اکتبر ۱۹۸۲ (۱۹ مهرماه ۱۳۶۱) و پیش از تعطیلات تابستانی دیوان که در تاریخ ۱۱ ژوئن ۱۹۸۳ (۲۱ خردادماه ۱۳۶۲) آغاز گردید، برگزار شد. طی جلسه نهایت شعبه که پیش از آغاز تعطیلات تابستانی دیوان تشکیل گردید، تصمیم گرفته شد که شعبه در اوائل اوت ۱۹۸۳ کار خود را از سر گیرد. بر اساس این تصمیم رئیس شعبه با داد است مورخ ۱۳ ژوئن ۱۹۸۳ (۲۳ خردادماه ۱۳۶۲) خود را صادر کرد و در آن از داوران شعبه درخواست نمود روزهای ۸، ۱۰ و ۱۲ اوت ۱۹۸۳ (به ترتیب ۱۷، ۱۹ و ۲۱ مردادماه ۱۳۶۲) را به شورهای شعبه اختصاص دهند، بموجب دستور شماره ۱۰ مورخ ۱۵ ژوئن ۱۹۸۳ (۲۵ خردادماه ۱۳۶۲) ریاست دیوان، به شعبه دو اجازه داده شد که تا تاریخ ۳۱ ژوئن ۱۹۸۳ (۹ مردادماه ۱۳۶۲) در مواردی حیثی در خواست صدور قرارهای موقت یا سایر موضوعات فوری، بجای شعبه اقدام کند. علاوه بر این، طبق برنامه رسمی رسیدگیهای دیوان که در تاریخ ۶ ژوئن ۱۹۸۳ (۱۶ خردادماه ۱۳۶۲) انتشار یافت، تشکیل جلسه دیوان عمومی در روزهای ۱۷ - ۱۵ اوت ۱۹۸۳ (۲۶ - ۲۴ مردادماه ۱۳۶۲)، جلسات استماع شعبه به در روزهای ۱۸، ۱۹، ۲۵ و ۳۰ اوت (به ترتیب ۲۷، ۲۸، ۲۹ و ۳۰ مردادماه ۱۳۶۲) و یک جلسه استماع مقدماتی در روز اول سبتا ۱۹۸۳ (۱۰ شهریور ۱۳۶۲) در نظر گرفته شده بود.

در تاریخ ۶ اوت ۱۹۸۳ (۱۵ مردادماه ۱۳۶۲) رئیس شعبه برنامه مدیرکزاری جلسات شعبه را صادر کرد. طبق این برنامه قرار شد نهایت کردن احکام پیرونده های شماره ۱۲۴، ۸۴، ۱۸۵، ۳۴۶ در ۱۱ و ۱۲ اوت ۱۹۸۳ (۲۰ و ۲۱ مردادماه ۱۳۶۲) و شورهای مربوط به پیرونده های شماره ۱۲۷، ۷۶، ۶۲، ۳۵ در ۱۳ اوت ۱۹۸۳

